



دانشگاه پیام نور
مرکز شهری

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته برنامه ریزی درسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی علوم تربیتی

عنوان:

تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر روی مهارت حل مسئله و خلاقیت

دانش آموزان پایه سوم دوره راهنمایی شهر همدان در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹

استاد راهنما:

دکتر نصراله عرفانی

استاد مشاور:

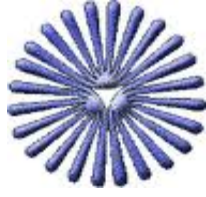
دکتر سید محمد شبیری

نگارش:

شیما عطار

مهر ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

مرکز شهری

بسمه تعالی

تصویب پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان: تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر روی مهارت حل مسأله و خلاقیت دانش آموزان

پایه سوم دوره راهنمایی شهر همدان در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹

که در مرکز شهری تهیه و به هیأت داوران ارائه گردیده است مورد تایید می باشد.

درجه ارزشیابی:

نمره:

تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۷/۴

اعضای هیأت داوران:

نام و نام خانوادگی

هیأت داوران

مرتبه علمی

امضاء

دکتر نصراله عرفانی

استاد راهنما

دکتر سید محمد شبیری

استاد مشاور

دکتر بهمن سعیدی پور

استاد داور

تقدیم به

پدر بزرگوارم

مادر دلسوزم

برادر عزیزم

قدردانی

اکنون که به لطف و عنایت خداوند تبارک و تعالی این پژوهش به اتمام رسیده است، برخود لازم می‌دانم از راهنمایی‌های ارزنده استاد راهنمای محترم و بزرگوار جناب آقای دکتر نصراله عرفانی تقدیر نمایم. همچنین از مساعی استاد مشاور محترم جناب آقای دکتر سید محمد شبیری قدردانی می‌نمایم. ضمناً از تمام اساتید گرامی، مدیران محترم دانشگاه پیام نور استان همدان و مرکز شهرری و همه کسانی که به نوعی در اجرای این پژوهش بنده را یاری نمودند، سپاسگزارم. امیدوارم یافته‌های این پژوهش مورد استفاده قرار گیرد.

چکیده

پژوهش حاضر به شناسایی تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر روی مهارت حل مسأله و خلاقیت دانش‌آموزان پایه سوم دوره راهنمایی شهر همدان در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ با استفاده از روش نیمه آزمایشی با طرح گروه کنترل نابرابر پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر پایه سوم دوره راهنمایی شهر همدان تشکیل می‌دادند که از بین آنان به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای دانش‌آموزان چهار کلاس درس، ۹۵ نفر انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین گردیدند. آن‌گاه پرسشنامه حل مسأله هینر و اندرسون و پرسشنامه خلاقیت عابدی برای هر دو گروه آزمایش و کنترل پسران و دختران به صورت پیش‌آزمون اجرا شد. سپس آزمودنی‌های گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه دو ساعته در زمینه آموزش فلسفه برای کودکان آموزش دیدند. در ادامه از هر دو گروه به وسیله پرسشنامه‌های مذکور پس‌آزمون به عمل آمد. آن‌گاه داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی، آزمون تحلیل کواریانس و با به کارگیری نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج بیانگر آن است که آموزش فلسفه برای کودکان موجب بهبود مهارت حل مسأله و همچنین خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود و بین آموزش فلسفه و جنسیت بر روی مهارت حل مسأله و خلاقیت دانش‌آموزان اثر متقابل وجود دارد. از این رو می‌توان گفت تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر روی مهارت حل مسأله و خلاقیت دانش‌آموزان پسر و دختر متفاوت است. به گونه‌ای که آموزش فلسفه برای کودکان در خصوص دانش‌آموزان پسر بیشتر از دانش‌آموزان دختر موجب بهبود مهارت حل مسأله و خلاقیت آنان شده است. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری نمود با آموزش فلسفه برای کودکان می‌توان توانایی تفکر و مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان را ارتقاء بخشید و بدینوسیله موجبات بهبود مهارت حل مسأله و خلاقیت دانش‌آموزان را فراهم ساخت.

واژه‌های کلیدی: آموزش فلسفه برای کودکان، مهارت حل مسأله، خلاقیت، جنسیت، دانش‌آموز.

۱	فصل اول: کلیات پژوهش
۲	۱-۱. مقدمه
۳	۱-۲. بیان مسأله
۶	۱-۳. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش
۷	۱-۴. اهداف پژوهش
۷	۱-۴-۱. هدف کلی
۷	۱-۴-۲. اهداف ویژه
۷	۱-۵. فرضیه‌های پژوهش
۷	۱-۶. تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش
۹	فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش
۱۰	۲-۱. مقدمه
۱۰	۲-۲. تفکر
۱۰	۲-۲-۱. تعریف تفکر
۱۱	۲-۲-۲. تاریخچه مطالعه تفکر
۱۱	۲-۲-۲-۱. تفکر از دیدگاه ادیان
۱۲	۲-۲-۲-۲. تفکر از دیدگاه فلاسفه
۱۳	۲-۲-۲-۳. تفکر از دیدگاه دانشمندان علوم تجربی
۱۴	۲-۲-۳. ضرورت آموزش تفکر
۱۵	۲-۲-۴. طبقه بندی مهارت‌های تفکر
۱۷	۲-۲-۵. محتوای آموزش تفکر
۱۸	۲-۲-۶. راهبردهای آموزشی برای تقویت تفکر
۱۹	۲-۲-۷. مزایای استفاده از داستان برای پرورش تفکر
۲۱	۲-۳. حل مسأله
۲۲	۲-۳-۱. تعریف و ویژگی‌های مسأله و حل مسأله
۲۲	۲-۳-۲. انواع مسأله‌ها
۲۳	۲-۳-۳. نظریه‌های حل مسأله

۲۳	۲-۳-۳-۱. نظریه‌های کلاسیک حل مسأله
۲۶	۲-۳-۳-۲. نظریه‌های معاصر حل مسأله
۲۷	۲-۳-۴. آموزش حل مسأله
۲۹	۲-۳-۵. روش‌های حل مسأله
۲۹	۲-۳-۵-۱. روش‌های تصادفی حل مسأله
۲۹	۲-۳-۵-۲. روش‌های اکتشافی حل مسأله
۳۰	۲-۳-۶. عواملی که حل مسأله را با مشکل روبه‌رو می‌کند
۳۱	۲-۳-۷. محاسن و محدودیت‌های روش‌های حل مسأله
۳۲	۲-۳-۸. پیشنهادهایی برای پرورش بیشتر توانایی‌های حل مسأله در دانش‌آموزان
۳۲	۲-۴. تفکر خلاق
۳۳	۲-۴-۱. تعریف خلاقیت
۳۷	۲-۴-۲. نظریه‌های خلاقیت و آفرینشگری
۳۸	۲-۴-۲-۱. دیدگاه‌ها و نظریه‌های فلسفی خلاقیت
۳۸	۲-۴-۲-۲. دیدگاه‌ها و نظریه‌های روانشناسی درباره خلاقیت
۴۲	۲-۴-۳. مؤلفه‌های خلاقیت
۴۲	۲-۴-۳-۱. مؤلفه‌های شناختی خلاقیت
۴۴	۲-۴-۳-۲. مؤلفه‌های انگیزشی - عاطفی خلاقیت
۴۶	۲-۴-۳-۳. مؤلفه‌های شخصیتی خلاقیت
۴۷	۲-۴-۴. فرآیند تفکر خلاق
۵۰	۲-۴-۴-۱. فرآیند خلاقیت از دیدگاه والاس
۵۱	۲-۴-۴-۲. فرآیند خلاقیت از دیدگاه اسپورن
۵۲	۲-۴-۴-۳. فرآیند خلاقیت از دیدگاه استین
۵۲	۲-۴-۴-۴. فرآیند خلاقیت از دیدگاه آمابیل
۵۳	۲-۴-۵. ویژگی‌های افراد خلاق
۵۵	۲-۴-۶. موانع بروز خلاقیت و نوآوری
۵۶	۲-۴-۷. آموزش و پرورش و آفرینشگری
۵۸	۲-۴-۸. شیوه‌های پرورش خلاقیت در مدرسه

۶۴	۲-۴-۹. اصول تورنس
۶۵	۲-۴-۱۰. حل مسأله و خلاقیت
۶۶	۲-۵. آموزش فلسفه برای کودکان
۶۶	۲-۵-۱. تعریف آموزش فلسفه برای کودکان
۶۷	۲-۵-۲. تاریخچه آموزش فلسفه برای کودکان
۶۸	۲-۵-۳. اهمیت پرداختن به آموزش فلسفه برای کودکان
۷۰	۲-۵-۴. ساختار اصلی برنامه آموزش فلسفه برای کودکان
۷۰	۲-۵-۵. هدف‌های آموزش فلسفه برای کودکان
۷۳	۲-۵-۶. محتوای برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان
۷۴	۲-۵-۷. روش برنامه آموزش فلسفه برای کودکان
۷۷	۲-۵-۸. نقش معلم و شاگرد در آموزش فلسفه برای کودکان
۷۹	۲-۵-۹. رابطه آموزش فلسفه برای کودکان و مهارت‌های تفکر
۸۱	۲-۵-۱۰. نقد و بررسی برنامه آموزش فلسفه برای کودکان
۸۴	۲-۶. پیشینه پژوهش
۸۴	۲-۶-۱. نتایج پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور
۸۹	۲-۶-۲. نتایج پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور
۹۲	۲-۷. جمع بندی
۹۵	فصل سوم: روش‌شناسی پژوهش
۹۶	۳-۱. مقدمه
۹۶	۳-۲. روش پژوهش
۹۷	۳-۳. جامعه آماری
۹۷	۳-۴. حجم نمونه و روش نمونه‌گیری
۹۷	۳-۵. ابزار گردآوری داده‌ها
۹۹	۳-۶. روش اجرا
۹۹	۳-۷. روش آماری
۱۰۱	فصل چهارم: یافته‌های پژوهش
۱۰۲	۴-۱. مقدمه

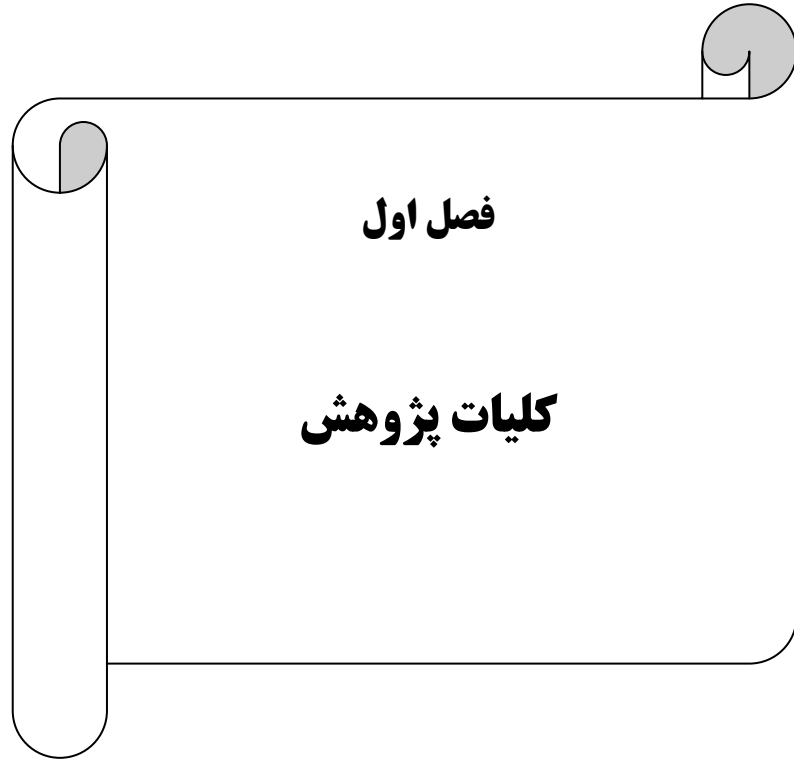
۱۰۲	۴-۲. توصیف داده‌ها
۱۱۳	۴-۳. تحلیل داده‌ها
۱۲۸	فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری
۱۲۹	۵-۱. مقدمه
۱۳۰	۵-۲. بحث در نتایج
۱۳۰	۵-۲-۱. بحث در راستای فرضیه اول پژوهش
۱۳۱	۵-۲-۲. بحث در راستای فرضیه دوم پژوهش
۱۳۲	۵-۲-۳. بحث در راستای فرضیه سوم پژوهش
۱۳۳	۵-۲-۴. بحث در راستای فرضیه چهارم پژوهش
۱۳۳	۵-۳. محدودیت‌های پژوهش
۱۳۴	۵-۴. پیشنهادها
۱۳۴	۵-۴-۱. پیشنهادهای پژوهشی
۱۳۴	۵-۴-۲. پیشنهادهای کاربردی
۱۳۶	منابع
۱۳۷	الف) منابع فارسی
۱۴۰	ب) منابع خارجی
۱۴۲	پیوست‌ها
۱۴۳	الف) پرسشنامه حل مسأله هیپر و اندرسون
۱۴۸	ب) پرسشنامه خلاقیت عابدی

۶۳	جدول ۱-۲: الگوی گالاگر
۱۰۲	جدول ۱-۴: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب گروه
۱۰۳	جدول ۲-۴: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها قبل از اصلاح نمرات پیش‌آزمون مهارت حل مسأله بر حسب گروه
۱۰۳	جدول ۳-۴: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بعد از اصلاح نمرات پیش‌آزمون مهارت حل مسأله بر حسب گروه
۱۰۵	جدول ۴-۴: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها در نمرات پس‌آزمون مهارت حل مسأله بر حسب گروه
۱۰۶	جدول ۵-۴: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها قبل از اصلاح نمرات پیش‌آزمون خلاقیت بر حسب گروه
۱۰۶	جدول ۶-۴: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بعد از اصلاح نمرات پیش‌آزمون خلاقیت بر حسب گروه
۱۰۷	جدول ۷-۴: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها در نمرات پس‌آزمون خلاقیت بر حسب گروه
۱۰۸	جدول ۸-۴: شاخص‌های توصیفی سن آزمودنی‌ها بر حسب گروه و جنسیت
۱۰۹	جدول ۹-۴: شاخص‌های توصیفی نمرات پیش‌آزمون مهارت حل مسأله آزمودنی‌ها بر حسب گروه و جنسیت
۱۱۰	جدول ۱۰-۴: شاخص‌های توصیفی نمرات پس‌آزمون مهارت حل مسأله آزمودنی‌ها بر حسب گروه و جنسیت
۱۱۱	جدول ۱۱-۴: شاخص‌های توصیفی نمرات پیش‌آزمون خلاقیت آزمودنی‌ها بر حسب گروه و جنسیت
۱۱۲	جدول ۱۲-۴: شاخص‌های توصیفی نمرات پس‌آزمون خلاقیت آزمودنی‌ها بر حسب گروه و جنسیت
۱۱۳	جدول ۱۳-۴: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب گروه و جنسیت
۱۱۴	جدول ۱۴-۴: نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنف برای آزمون نرمال بودن داده‌های متغیرهای پژوهش
۱۱۶	جدول ۱۵-۴: خلاصه تحلیل واریانس برای بررسی همگنی شیب‌های رگرسیون مهارت حل مسأله
۱۱۷	جدول ۱۶-۴: خلاصه تحلیل واریانس برای بررسی همگنی شیب‌های رگرسیون خلاقیت
۱۲۰	جدول ۱۷-۴: آماره‌لون برای آزمون برابری واریانس نمرات پس‌آزمون حل مسأله گروه‌ها

۱۲۰	جدول ۱۸-۴: آماره‌لون برای آزمون برابری واریانس نمرات پس‌آزمون خلاقیت گروه‌ها
۱۲۱	جدول ۱۹-۴: خلاصه تجزیه و تحلیل کواریانس نمرات پیش‌آزمون- پس‌آزمون حل مسأله گروه‌ها
۱۲۲	جدول ۲۰-۴: توصیف نمرات پس‌آزمون حل مسأله گروه‌ها
۱۲۲	جدول ۲۱-۴: توصیف نمرات پس‌آزمون حل مسأله بر اساس جنسیت
۱۲۳	جدول ۲۲-۴: توصیف نمرات پس‌آزمون حل مسأله گروه‌ها بر اساس جنسیت
۱۲۴	جدول ۲۳-۴: خلاصه تجزیه و تحلیل کواریانس نمرات پیش‌آزمون- پس‌آزمون خلاقیت گروه‌ها
۱۲۵	جدول ۲۴-۴: توصیف نمرات پس‌آزمون خلاقیت گروه‌ها
۱۲۶	جدول ۲۵-۴: توصیف نمرات پس‌آزمون خلاقیت بر اساس جنسیت
۱۲۶	جدول ۲۶-۴: توصیف نمرات پس‌آزمون خلاقیت گروه‌ها بر اساس جنسیت

- نمودار ۱-۴: نمودار دایره‌ای توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب گروه ۱۰۳
- نمودار ۲-۴: نمودار کت کادری توزیع فراوانی آزمودنی‌ها قبل از اصلاح نمرات پیش‌آزمون مهارت حل مسأله بر حسب گروه ۱۰۴
- نمودار ۳-۴: نمودار کت کادری توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بعد از اصلاح نمرات پیش‌آزمون مهارت حل مسأله بر حسب گروه ۱۰۴
- نمودار ۴-۴: نمودار کت کادری توزیع فراوانی آزمودنی‌ها در نمرات پس‌آزمون مهارت حل مسأله بر حسب گروه ۱۰۵
- نمودار ۵-۴: نمودار کت کادری توزیع فراوانی آزمودنی‌ها قبل از اصلاح نمرات پیش‌آزمون خلاقیت بر حسب گروه ۱۰۶
- نمودار ۶-۴: نمودار کت کادری توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بعد از اصلاح نمرات پیش‌آزمون خلاقیت بر حسب گروه ۱۰۷
- نمودار ۷-۴: نمودار کت کادری توزیع فراوانی آزمودنی‌ها در نمرات پس‌آزمون خلاقیت بر حسب گروه ۱۰۷
- نمودار ۸-۴: نمودار هیستوگرام مربوط به نمرات پیش‌آزمون مهارت حل مسأله ۱۱۴
- نمودار ۹-۴: نمودار هیستوگرام مربوط به نمرات پس‌آزمون مهارت حل مسأله ۱۱۵
- نمودار ۱۰-۴: نمودار هیستوگرام مربوط به نمرات پیش‌آزمون خلاقیت ۱۱۵
- نمودار ۱۱-۴: نمودار هیستوگرام مربوط به نمرات پس‌آزمون خلاقیت ۱۱۶
- نمودار ۱۲-۴: نمودار رابطه خطی بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون مهارت حل مسأله گروه‌ها ۱۱۸
- نمودار ۱۳-۴: نمودار رابطه خطی بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون مهارت حل مسأله پسران و دختران ۱۱۸
- نمودار ۱۴-۴: نمودار رابطه خطی بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون خلاقیت گروه‌ها ۱۱۹
- نمودار ۱۵-۴: نمودار رابطه خطی بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون خلاقیت پسران و دختران ۱۱۹
- نمودار ۱۶-۴: نمودار میانگین نمرات پس‌آزمون مهارت حل مسأله گروه‌ها ۱۲۲
- نمودار ۱۷-۴: نمودار میانگین نمرات پس‌آزمون مهارت حل مسأله بر اساس جنسیت ۱۲۳
- نمودار ۱۸-۴: نمودار میانگین نمرات پس‌آزمون مهارت حل مسأله گروه‌ها بر اساس جنسیت ۱۲۴
- نمودار ۱۹-۴: نمودار میانگین نمرات پس‌آزمون خلاقیت گروه‌ها ۱۲۵

۱۲۶	نمودار ۴-۲۰: نمودار میانگین نمرات پس‌آزمون خلاقیت بر اساس جنسیت
۱۲۷	نمودار ۴-۲۱: نمودار میانگین نمرات پس‌آزمون خلاقیت گروه‌ها بر اساس جنسیت



۱-۱. مقدمه

پرورش عقلانیت از طریق آموزش و پرورش وسیله‌ای برای وفاق اجتماعی در خصوص دموکراسی به شمار می‌رود. در دنیا در چند دهه اخیر فلسفه و آموزش فلسفه، به عنوان روشی برای پرورش قوه تفکر^۱، مجدداً مورد توجه قرار گرفته است. برنامه آموزش فلسفه برای کودکان (P4C)^۲ از دو جهت اهمیت پیدا می‌کند، از یک سو به دلیل این که مدارس، به موسساتی برای انتقال دانش به حافظه دانش‌آموزان تبدیل شده است و به شدت از هدف اصلی خود به دور افتاده است و از سوی دیگر به دلیل آن که آموزش فلسفه به کودکان که امروز در دنیا بسیار مورد توجه قرار گرفته است، در نظام آموزشی، بسیار از آن غفلت شده است.

ذهن هر انسان کهکشان ناشناخته‌ای است که دائماً در حال زایش و آفرینندگی است بی‌شک همین قدرت تولید فکر و روح آفرینندگی است که انسان را از دیگر موجودات ممتاز ساخته است و یکی از پیچیده‌ترین ویژگی‌های ذهن بشر قدرت آفرینندگی و خلاقیت اوست. قدرتی که به انسان امکان می‌دهد تا آرمان‌هایش را تصور کند، اهداف عالی حیات خویش را مجسم کند و توانایی‌های خویش را شکوفا سازد. شاید عمده تفاوت آموزش و پرورش در جوامع مترقی، پویا و رو به رشد با جوامع عقب مانده و ایستا، متوجه تفاوت در فهم پدیده خلاقیت از سوی چنین جوامعی است.

بی‌سبب نیست که بزرگ مردانی چون ژان پیاژه^۳ هدف اصلی آموزش و پرورش را آفرینش به ویژه آفرینش انسان‌های توانا به انجام دادن کارهای نو و تربیت انسان خلاق، نوآفرین و کاشف می‌دانند و مازلو^۴ نیز نیاز انسان به خودشکوفایی و خلاقیت را در رأس همه نیازها قرار داده است.

۱. Thinking
۲. Philosophy for children
۳. Jean piaget
۴. Maslow

۱-۲. بیان مسأله

دانش ما درباره تفکر تا حد زیادی از دو سنت متمایز فلسفه و روان‌شناسی ناشی می‌شود. فلاسفه مدت‌ها ذهن انسان را به مثابه جایگاه عقل و پرورش عقل را هدف نهایی تعلیم و تربیت دانسته‌اند. فلسفه، مطالعه تفکر از طریق تحلیل، استدلال و به‌کارگیری منطق را مورد تأکید قرار داده است. و روان‌شناسان درباره ساختارهای ذهن مطالعه کرده‌اند (فیشر، ۱۹۹۵).

از طرف دیگر، از دیرباز تا کنون در خصوص این که فلسفه چیست؟ پاسخ‌های مختلفی ارائه شده است که با جمع‌بندی این پاسخ‌ها می‌توان آن‌ها را در دو دسته جای داد. دسته‌ای فلسفه را مجموعه‌ای از آراء و عقاید فیلسوفان درباره موضوعات فلسفی می‌دانند و دسته دوم، فلسفه را عبارت از عمل فلسفی در نظر می‌گیرند و فیلسوف را کسی می‌دانند که به طور فلسفی اندیشه می‌کند. سقراط^۱ به عنوان آغازگر فلسفه به معنای حقیقی، فلسفه را برابر فلسفیدن^۲ می‌دانست. منظور وی از فلسفیدن همانا درست اندیشیدن است. از نظر وی فلسفه با ذات اندیشیدن سر و کار دارد. و حتی این سخن کانت^۳ که کار فلسفه آموختن اندیشیدن است نه آموختن اندیشه‌ها، بیانی است از همان معنایی که برای نخستین بار سقراط به کشف آن رسید و به کار گرفت. با وجود این مدت طولانی فلسفه از معنای حقیقی خود دور افتاد ولی در سال‌های اخیر بازگشت قابل توجهی به این طرز فکر که فلسفه یک فعالیت به شمار می‌آید، صورت گرفته است.

با آن که به نظر می‌آید پرداختن به فلسفه کار فیلسوفان است اما به راستی این کار منحصر به آنان نیست. زیرا که از یک سو، هر انسانی لحظه‌هایی را فلسفی زندگی می‌کند و اهمیت این لحظات حیات تا بدان جاست که حتی می‌توان گفت هستی انسان در چنین لحظه‌هایی شکوفا می‌شود و از سوی دیگر، هر گونه تامل درباره اصول و بنیادها، گام نهادن به قلمرو فلسفه است. بنابراین، فلسفه همگانی است و منحصر به فلاسفه نیست. سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که اگر فلسفه همگانی است، چرا کودکان نتوانند درگیر آن شوند؟ (نقیب‌زاده، ۱۳۷۴).

۱. Socrates
۲. Philosophization
۳. Kant

در حدود چهل سال پیش در دانشگاه کلمبیا پرفسور ماتویلیپمن^۱ این نظریه را مطرح کرد که چنان چه ذهن کودک را درگیر مباحث فلسفی کنیم، می‌توانیم نحوه تفکر او را رشد دهیم. لیپمن (به نقل از صفایی مقدم، ۱۳۷۷) معتقد بود که اگر کنجکاوی طبیعی کودکان و میل آنان به دانستن درباره جهان را با فلسفه مرتبط کنیم، می‌توانیم کودکان را به متفکرانی تبدیل کنیم که بیش از پیش موثر باشند. در سال‌های اخیر، روان‌شناسان تربیتی از تاکید زیاد مدارس بر انتقال دانش و اطلاعات به دانش‌آموزان انتقاد کرده‌اند و در عوض معلمان را بیشتر به پرورش مهارت‌های اندیشیدن در یادگیرندگان سفارش داده‌اند (دمبو^۲، ۱۹۹۴).

در فرهنگ فارسی معین (۱۳۸۱) اندیشیدن به معنای رسیدن به درک و فهم معنا شده است. فرهنگ آکسفورد^۳، تفکر را به کار گرفتن فعالانه ذهن برای شکل دادن به ایده‌های مرتبط تعریف کرده است (کاوی^۴، ۱۹۸۹).

مورگان^۵، کینگ^۶، ویس^۷ و اسکوپلر^۸ (۱۹۸۷) تفکر را بازآرایی یا تفسیر شناختی اطلاعات به دست آمده از محیط و نمادهای ذخیره شده در حافظه دراز مدت تعریف کرده‌اند. این تعریف کلی انواع مختلف تفکر را در بر می‌گیرد که عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از حل مسأله^۹ و خلاقیت^{۱۰}.

یکی از ویژگی‌های تفکر، حل مسأله است. وقتی یادگیرنده با موقعیتی رو به رو می‌شود که نمی‌تواند با استفاده از اطلاعات و مهارت‌هایی که در آن لحظه در اختیار دارد به آن موقعیت سریعاً پاسخ درست بدهد یا وقتی که یادگیرنده هدفی دارد و هنوز راه رسیدن به آن را نیافته است، با مسأله^{۱۱} رو به رو است. بنابراین با توجه به تعریف مسأله، می‌توان حل مسأله را به صورت تشخیص و کاربرد دانش و مهارت‌هایی که منجر به پاسخ درست یادگیرنده به موقعیت یا رسیدن او به هدف مورد نظرش می‌شود، تعریف کرد (سیف، ۱۳۸۰).

۱. Mattewlipman
 ۲. Dembo
 ۳. Oxford
 ۴. Cowie
 ۵. Morgan
 ۶. King
 ۷. Weisz
 ۸. Schopler
 ۹. Problem solving
 ۱۰. Creativity
 ۱۱. Problem

از نظر گانیه^۱ (۱۹۸۵) حل مسأله، یادگیری قاعده سطح بالاتر نام گرفته است. طبق نظر او، یادگیرنده از ترکیب قاعده‌های ساده، قاعده‌های سطح بالاتری درست می‌کند که این خود منجر به حل مسأله می‌شود.

از دیگر ویژگی‌های ممتاز تفکر، آفرینندگی یا خلاقیت است. گانیه (۱۹۸۵) آفرینندگی را نوعی حل مسأله می‌داند اما معتقد است که آفرینندگی نوع ویژه‌ای از حل مسأله است. حل مسأله فعالیت عینی‌تر از آفرینندگی است و از آن هدف مشخص‌تری دارد. یعنی حل مسأله بیشتر بر واقعیات استوار است و هدف عینی و بیرونی است، در حالی که آفرینندگی بیشتر جنبه شخصی دارد و زیادتر از حل مسأله به شهود و تخیل وابسته است. به سخن دیگر، در حل مسأله شخص با موقعیتی رو به رو می‌شود که باید برای آن یک راه حل بیابد، اما در آفرینندگی فرد هم موقعیت مسأله و هم راه حل آن را خود می‌آفریند. ویژگی مهم دیگر آفرینندگی که آن را از حل مسأله متمایز می‌کند، تازگی نتایج تفکر آفریننده است. بنابراین، تاکید آفرینندگی بر اثر فکری تازه است. هسته اصلی تمام مفاهیم مربوط به آفرینندگی را مفهوم تازگی تشکیل می‌دهد. آفرینندگی به راه‌های تازه، اصیل، مستقل و تخیلی اندیشیدن درباره انجام کارها می‌انجامد (وولفولک^۲، ۲۰۰۱).

تورنس^۳ (۱۹۹۸) آفرینندگی را فرایند حس کردن مشکلات، مسایل، شکاف در اطلاعات، عناصر گم شده و چیزهای ناجور، حدس‌زدن و فرضیه‌سازی درباره این نواقص، ارزیابی و آزمودن این حدس‌ها و فرضیه‌ها، تجدید نظر کردن و دوباره آزمودن آن‌ها و بالاخره انتقال نتایج تعریف کرده است. او در تعریف وابسته به بقاء از آفرینندگی، قدرت کنار آمدن فرد با موقعیت‌های دشوار را ذکر کرده است. به هنگام برخورد با موقعیت‌های دشوار و خطرناک، وقتی که شخص هیچ راه حل از پیش آموخته و تمرین کرده‌ای ندارد، به درجه‌ای از آفرینندگی نیازمند است.

هم اکنون حدود صد کشور در حال اجرای آموزش فلسفه برای کودکان هستند (طبق تعریف یونسکو، کودک به افرادی اطلاق می‌شود که زیر ۱۸ سال سن دارند) که حدود سی کشور از کشورهای پیشرفته به طور جدی آن را وارد نظام آموزش و پرورش خود ساخته‌اند و حدود هفتاد کشور نیز به طور آزمایشی این برنامه را تجربه می‌کنند. کمترین کاری که غالب کشورها در این زمینه انجام داده‌اند، شروع به پژوهش در این زمینه است (همشهری، ۱۳۸۴).

۱. Gagne
۲. Wolfolk
۳. Torrance

با توجه به توصیفی که گذشت و با عنایت به این که امروزه آموزش و پرورش نقش خود را از انتقال دانش به پرورش تفکر تغییر داده است و با توجه به این که آموزش فلسفه برای کودکان به عنوان یک برنامه آموزش برای پرورش مهارت‌های اساسی تفکر به کار برده می‌شود، عمده‌ترین مسأله‌ای که این پژوهش با آن رو به رو است، این است که آیا با اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان می‌توان مهارت حل مسأله و خلاقیت آنها را بهبود بخشید؟

۳-۱. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

آن چه فلسفه برای کودکان نامیده می‌شود، تلاشی است برای بسط فلسفه، با این هدف که بتوان آن را مانند نوعی آموزش به کار برد. این فلسفه، آموزشی است که از فلسفه برای واداشتن ذهن شاگردان به کوشش در جهت پاسخگویی به نیاز و اشتیاقی که معنا دارد، بهره می‌برد. فلسفه، کودکان را تحت نوعی آموزش قرار می‌دهد که افق دید آنها را وسیع‌تر می‌سازد. این برنامه به آنها یاد می‌دهد که چگونه باید فکر کنند. فلسفه برای کودکان، برنامه‌ای است که کودکان مدرسه‌ای را در تمام مباحث کلاس در زمینه موضوعات فلسفی مشارکت می‌دهد. این برنامه، بهبود تفکر کودکان را از طریق معرفی بسیاری از سوالات بزرگ^۱ به آنها و توانا ساختن آنها به بررسی چنین سوالاتی دنبال می‌کند. معلمان با استفاده از این برنامه، کودکان را به تفکر عمیق‌تر درباره ایده‌هایی که پس از کار مدرسه‌ای آنها قرار دارد، تشویق می‌کنند.

یقیناً اگر دانش‌آموزان معقول و کاوشگر تربیت شوند، جامعه در آینده شاهد شهروندانی خردمند خواهد بود. بنابراین اگر نظام آموزش و پرورش از انفعال خارج شود و از عهده تربیت دانش‌آموزان به عنوان انسان‌های متفکر بر آید که در برخورد با مسایل دست به مشکل‌گشایی بزنند و در جست‌وجوی راه‌های نو برآیند و خلاقانه بیندیشند، آنگاه شاهد تحول بنیادی در آموزش و پرورش خواهیم بود که به صورت فعال می‌تواند دیگر نهادهای جامعه را متاثر سازد و موجبات رشد و توسعه کشور را فراهم آورد.

بنابراین ضروری است اثربخشی برنامه آموزش فلسفه بر روی مهارت حل مسأله و خلاقیت دانش‌آموزان طی یک پژوهش آزمایشی مورد بررسی قرار گیرد تا از نتایج آن بتوان به عنوان یک الگو در برنامه‌ریزی درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش سود جست و از فواید آن بهره‌مند گشت.